

مقدمه‌ای بر شناخت پژوهی استعاره

قطره در نهان خانه صدف

تألیف

حبیب‌الله قاسم‌زاده

گروه روان‌پزشکی

دانشگاه علوم پزشکی تهران

بیمارستان روزبه



کتاب ارجمند



حبیب‌الله قاسم‌زاده

مقدمه‌ای بر شناخت پژوهی استعاره

قطره در نهان خانه صدف

فروست: ۱۶۲۲

ناشر: کتاب ارجمند

صفحه‌آرایی: حصو، دزنواز

مدیر هری: آسان ارجمند

سرپرست تولید: مرضیه شک

ناظر چاپ: سعید خان سلو

چاپ و صحافی: نق، نیزار

چاپ اول، بهمن ۱۳۹۸، ۱۱ نسخه

شابک: ۹۳۹-۲۰۰-۶۰۰-۵

این اثر، مشمول قانون حمایت از ناشران و

هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس با

از این اثر را بدون اجازه مؤلف، ناشر، نشر یا

عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

www.arjmandpub.com

سرشناسه: قاسم‌زاده، ۱۳۲۳-

عنوان و نام پدیدآور: مقدمه‌ای بر شناخت پژوهی استعاره:

قطره در نهان خانه صدف/ تألیف حبیب‌الله قاسم‌زاده.

مشخصات نشر: تهران: کتاب ارجمند، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۳۴۰ ص. رقی.

شابک: ۹۳۹-۲۰۰-۶۰۰-۵

موضوع: استعاره، Metaphor

رده‌بندی کنگره: PN۲۲۸

رده‌بندی دیویی: ۸۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۵۱۳۷۴

## مرکز پخش: انتشارات ارجمند

دفتر مرکزی: تهران بلوار کشاورز، بین خ کارگر و ۱۶ آذر، پست ۲۹۲، تلفن: ۸۸۹۸۲۰۴۰

شعبه مشهد: ابتدای احمدآباد، پاساژ امیر، انتشارات مجد دانش، تلفن: ۰۵۱-۳۸۴۱۰۰۰

شعبه رشت: خ نامجو، روبروی ورزشگاه عضدی، تلفن: ۰۳۱-۳۳۲۸۷۶

شعبه بابل: خ گنج افروز، پاساژ گنج افروز، تلفن: ۰۱۱-۲۲۲۷۶۴

شعبه ساری: بیمارستان امام، روبروی ریاست تلفن: ۰۹۱۱-۸۰۲۰۰۹۰

شعبه کرمانشاه: خ مدرس، پشت پاساژ سعید، کتابفروشی دانشمند تلفن: ۰۳۷۲۸۲۰۴۴

بها: ۴۳۰۰۰ تومان

با ارسال پیامک به شماره ۰۲۱۸۸۹۸۲۰۴۰ در جریان تازه‌های نشر ما قرار بگیرید:

ارسال عدد ۱: دریافت تازه‌های نشر پزشکی به صورت پیامک

ارسال عدد ۲: دریافت تازه‌های نشر روان‌شناسی به صورت پیامک

ارسال ایمیل: دریافت خبرنامه الکترونیکی انتشارات ارجمند به صورت ایمیل

## آغاز سخن

۱: مقدمه

## ۲: نگرش‌هایی دربارهٔ استعاره

نگرش جانشینی و مقایسه‌ای

نگرش تعاملی

پیرریک و نظریهٔ تعاملی

ارزیابی نگرش تعاملی

دیدگاه آستین گرایس و سرل

ارزیابی دیدگاه سرل

استعاره در چهارچوب روان‌شناسی زبانی

تقدّم معنای لفظی بر معنای استعاره‌ای

آیا درک معنای لفظی آسان‌تر است؟

اهمیت آشنایی با بیان در تقابل با تازگی بیان

پنجرهٔ ۱- درک استعاره‌های جدید

منابع

پنجرهٔ ۲- دربارهٔ گزینش‌پذیری (اختیاری‌بودن) معانی متناهی: آیا می‌توانیم استعاره‌ها را ندیده بگیریم؟

منابع

فراسوی شباهت: استعاره‌ها مستقیماً درک می‌شوند

استعاره‌های جدید و متداول یا کهنه چه‌گونه پردازش می‌شوند؟

استعاره‌ها گزاره‌های مقوله‌ای انسانی (وضعی یا توضیحی) هستند

ارجاع دوگانه و استعاره‌ها

نتیجه‌گیری

منابع

استعاره از دیدگاه گنتنر

استعاره همانند تمثیل است

|     |                                                     |
|-----|-----------------------------------------------------|
| ۷۷  | برازش و نسبت‌پذیری                                  |
| ۷۷  | پردازش استعاره‌ها                                   |
| ۸۰  | مراحل پردازش استعاره                                |
| ۸۱  | سیر پیش‌رونده استعاره‌ها                            |
| ۸۳  | استعاره و مقوله‌بندی                                |
| ۸۴  | درجات و مراحل عادی‌شدگی استعاره                     |
| ۸۶  | استعاره و تشبیه                                     |
| ۸۸  | فرم‌های استعاره‌ای که ترجیح داده می‌شوند            |
| ۸۹  | پیش‌زمینه‌های درباره پردازش                         |
| ۹۰  | برازش                                               |
| ۹۲  | استدلال تمثیلی: همه اصل ساخت (امتداد دیدگاه گنت‌نر) |
| ۹۲  | تمثیل چیست؟                                         |
| ۹۹  | توانایی‌های شناختی در تمثیل                         |
| ۹۹  | حافظه و سازگاری یا انطباق                           |
| ۱۰۰ | استدلال                                             |
| ۱۰۲ | یادگیری از طریق انتقال                              |
| ۱۰۴ | یادگیری از طریق انتزاع                              |
| ۱۰۶ | خلّاقیت                                             |
| ۱۰۸ | نتیجه‌گیری و سمت‌گیری‌های آینده                     |
| ۱۰۹ | منابع                                               |
| ۱۱۰ | مدل                                                 |
| ۱۱۰ | تعریف مدل                                           |
| ۱۱۳ | نقش مدل‌ها در تبیین‌های علمی                        |
| ۱۱۵ | مدل‌ها چه‌گونه وضع می‌شوند؟                         |
| ۱۱۵ | مدل‌سازی درباره خوردشید                             |
| ۱۱۷ | استعاره به‌عنوان ساختار مفهومی                      |
| ۱۱۹ | گرش لیکاف - جان سون                                 |
| ۱۲۵ | ۲: حسن‌آمیزی و استعاره                              |
| ۱۲۸ | بنایی عصب‌شناختی حسن‌آمیزی                          |
| ۱۲۹ | صویربرداری‌های مغزی                                 |
| ۱۳۳ | دیدگاه گروه رامچاندرا                               |

#### ۴: نوروپسیکولوژی استعاره

مقدمه

مسئله سوپرتری

نقش نیم کره راست و نیم کره چپ در زبان

پردازش استعاره و مسئله تخصص نیم کره راست

تحقیقات مربوط به نیمه میدان دید

نقش ویژه نیم کره راست

مقایسه دو نیم کره

نیم کره راست و مسئله آشنایی

فراتر از یک سوئیچ

۱. مسائل مربوط به شناسی و روش مندی

۲. مسائل نظری

پیشرفت‌هایی در بررسی ارتباط مغز و رفتار

مدل توجیه‌پذیر درباره مبانی عصا ساخت استعاره

جمع‌بندی

دیدگاه پی‌ویو درباره ارتباط استعاره با حافظه

مدل شبکه‌ای استعاره

دیدگاه هب

#### ۵: بحثی درباره خاستگاه تجربی استعاره‌ها - تفاوت

حوزه مبدا

معنای صریح و معنای ضمنی

حوزه معنایی

تکنیک افتراق معنایی

معنای مثبتی بر زنجیره پیوندهای هم‌خوانی

تحقیق مقدماتی

نتایج و بحث کلی

مقایسه چهار زبان

بحثی درباره حوزه معنایی گل

زیبایی، مهربانی و عشق

|     |                                              |
|-----|----------------------------------------------|
| ۲۴۷ | گل و آسیب‌پذیری                              |
| ۲۴۸ | گل، سنگ و برف                                |
| ۲۵۵ | ۶: استعاره و ادبیات                          |
| ۲۵۵ | طرح مقدماتی                                  |
| ۲۵۷ | استعاره در شعر                               |
| ۲۷۲ | مفهوم زندگی                                  |
| ۲۷۷ | حافظ و مفهوم زندگی                           |
| ۲۸۱ | آشنایی با                                    |
| ۲۸۶ | شکوه سنی                                     |
| ۲۹۷ | مصاحبه                                       |
| ۲۹۷ | نقش استعاره در فرایند شناخت                  |
| ۲۹۷ | مصاحبه علی‌رضا خدادوست با حبیب‌الله شمس‌زاده |
| ۳۱۳ | منابع و کتاب‌شناسی                           |
| ۳۱۳ | الف. فارسی                                   |
| ۳۱۷ | ب. انگلیسی                                   |
| ۳۲۹ | واژه‌نامه انگلیسی به فارسی                   |
| ۳۳۱ | واژه‌نامه فارسی به انگلیسی                   |
| ۳۳۳ | نمایه                                        |



## آغاز سخن

از زمان انتشار چاپ نخست کتاب استعاره و شناخت، حدود بیست سال می‌گذرد. در طی این مدت، اتفاقات زیادی در حوزه علوم شناختی زبان و به‌ویژه شناخت پژوهی، عصبان پژوهی و نوروپسیکولوژی استعاره، افتاده است. از یک‌سو، دیدگاه‌ها و مدل‌های - پدید‌آرایی‌دهنده‌اند که نگرش پژوهشگران را به مسائل مربوط به درک استعاره، روش‌های و منجش متغیرهای وابسته به زمان واکنش، ترکیب کلمات، نقش تصاویر ذهنی، انیزه و صدمندی در استعاره تغییر داده‌اند و از سوی دیگر، حوزه‌های گسترده‌ای از علم و دانش شری، از مدل‌سازی‌های علمی گرفته تا ادبیات، هنر، روان‌درمانی، تعلیم و تربیت، سیاست، تبلیغات، در ارتباط با استعاره قرار گرفته‌اند. به‌عنوان دو نمونه از این دامنه و عیج نظری و کاربردی، می‌توان به کتاب‌های از مولکول تا استعاره اثر جروم فلدمن (۲۰۰۸) و استعاره‌هایی برای نوازندگان، اثر رندی هال‌برشتات (۲۰۰۵) اشاره کرد.

امروزه، دیگر، از استعاره به‌عنوان زینت کلام و آرایه سخن نمی‌رود، بلکه به‌عنوان توانایی و ظرفیت مفهوم‌سازی و نیز قدرت و توازن ادبی گشتار در تفکر یاد می‌شود. جهان ما جهانی است متنوع و در حال تغییر و تحول. بیش‌پو بردن به ویژگی بسیاری از اشیا، پدیده‌ها، رخ‌دادها و فرایندها نیاز به نوعی طبقه‌بندی وجود دارد. در پرتو این طبقه‌بندی است که هر چیزی به اعتبار چیز دیگری تعریف می‌شود. تعریف، به بیان کلی، سازوکاری است که در جریان آن، در عین حال که می‌خواهیم چیزی را از

چیزی جدا بکنیم، آن چیز را به چیز دیگری نزدیک می‌کنیم. بر مبنای این دوری و نزدیکی است که اشیا تعریف می‌شوند و مورد طبقه‌بندی قرار می‌گیرند. طبقه‌بندی‌ها عموماً بر مبنای ویژگی‌های ساختاری، کارکردی، تکوینی و یا براساس اهمیت و ضرورت، صورت می‌گیرند: مانند جدا کردن مهره‌داران از غیر مهره‌داران یا پستان‌داران از غیر پستان‌داران یا حتی گیاهان از جانوران. اما در سطح اختصاصی‌تر ما اصطلاح نوشت‌افزار را داریم که اغلب به هر آن‌چه در نوشتن و نگارش به کار می‌آید، اطلاق می‌شود. در این جا طبقه‌بندی دارای مبنای کارکردی است. حال اگر بیاییم مثلاً انواع خودکارها را یک جا قرار دهیم و خودنویس‌ها را هم یک جا، به طبقه‌بندی کم و بیش ساختاری پرداخته‌ایم. گاهی ممکن است مبنای طبقه‌بندی، تکوینی باشد. در این جا می‌توان موجوداتی که در اصل یا تکامل خود در چرخه دگردیسی قرار می‌گیرند، نام بُرد یا شکل‌گیری تفکر، ملق و استدلال را از لحاظ مراحل مختلف تکوین از نخستین‌ها تا انسان، مورد توجه قرار داد. در با هم مقایسه کرد. گاهی نیز صرفاً اهمیت و ضرورت ممکن است اساس طبقه‌بندی قرار گیرد. مثلاً ما معمولاً در توصیف یا تشریح اقلیمی از ترکیب "آب و هوا" استفاده می‌کنیم که ظاهراً شباهتی از لحاظ ساختار، کارکرد و تکوین با هم ندارند.

حال باید به دو نکته اشاره کرد: نخست آن که اشیا و پدیده‌ها فقط یک خصوصیت یا یک ویژگی ندارند و ممکن است بر مبنای ویژگی‌های مختلف، در طبقه‌بندی‌های متفاوتی قرار گیرند. مثلاً طلا را در نظر بگیرید. این عنصر از لحاظ طبقه‌بندی کلی، جزء فلزات تلقی می‌شود. اما چون رنگش تقریباً زرد است، در زمره اشیا یا فلزات زرد قرار می‌گیرد ("نه هر آن چیز که او زرد بود، زر باشد/ نشود زر اگر چند شود زرد زریو". ناصر خسرو). همان طلا احتمالاً به علت کم‌یابی و ویژگی‌های دیگر، فلز قیمتی است و از این نظر در طبقه‌بندی مربوط به پول و سکه و گنج و اشیا گرانبه قرار می‌گیرد. و به سبب چکش‌خواری، رنگ زرد و درخشان، و تبدیل شدن به اشیا دیگر، و قیمتی بودن آن، در دسته زیورآلات جای می‌گیرد و از آن جا که زنگ نمی‌زند و در بسیاری از حالات حل نمی‌شود و قابل نگهداری است، نوعی ثروت محسوب



می‌شود. به این ترتیب، طلا در جای‌گاه‌های مختلفی قرار می‌گیرد و بر حسب قصد و نیت سخن‌گو، می‌توان برداشت‌های متفاوتی از آن کرد.

دوم آن که اشیا و پدیده‌ها صرفاً بر مبنای ویژگی‌های به اصطلاح عینی تقسیم‌بندی نمی‌شوند، بلکه به اعتبار اثرگذاری بر سیستم حسی - حرکتی، برداشت مغز ما از آن‌ها، حالت عاطفی و هیجانی که در ما ایجاد می‌کنند، نیز مورد طبقه‌بندی قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، اگر همان طلا را در نظر بگیریم، به علت درخشندگی، چه بسا، باز خورد مثبتی در ما به وجود بیاورد یا به سبب ارزش پولی، ممکن است ذخیره یا سرمایه‌ای برای ارزش مبادا تلقی شود و در نتیجه، در ما احساس "ایمنی" پدید بیاورد. مثلاً در گلستان سعدی می‌خوانیم: "هر که راز در ترازوست، زور در بازوست." حافظ به مدد تخیل و خرد ترکیب‌ها را جدید و بر مبنای شباهت رنگ زرد چهره با رنگ زرد طلا و الهام گرفتن از مفهوم دمیای که می‌تواند همه چیز را حتی خاک را - که خود به معنایی، سرچشمه همه فلزات است - به زبر تبدیل کند، می‌گوید: "از کیمیای مهر تو زر گشت روی من / آری به یمن لطف شما خاک، زر شود." در این جا حافظ، هم می‌خواهد ارزش و اهمیت عشق را برجسته سازد که همه چیز را به طلا تبدیل می‌کند، حتی خاک را؛ و هم، به نحوی، به گلایه از دوری و هجران در می‌پردازد. اما در هر صورت، عشق کار خود را کرده است و خاک را تبدیل به طلا نموده است!

استعاره از درون چنین مقایسه‌ها، تشبیه‌ها و ترکیب‌ها را می‌خیزد و جای‌گاهی والا در تفکر پیدا می‌کند. حافظ اگر دست به خلق چنین ترکیب‌ها نمی‌زد، چه گونه می‌توانست از معجزه عشق، یعنی تبدیل خاک - که به هر حال عنصر "کم‌دستی" و همه‌جا موجود و "زمینی" است - به طلا سخن بگوید. اما این معجزه به سازوکاری نیاز دارد که در قدیم به کیمیا و کیمیاگری نسبت داده می‌شد. معجزه را به زبان امروزی می‌توانیم گشتاری بنامیم که در مفاهیم به وجود می‌آید. حافظ در جای دیگر، نقش کیمیا را به گونه متفاوتی بازگو می‌کند که در آن بدون آن که واژه طلا ذکر شود، ثروت و

برخورداری و بی‌نیازی مورد توجه قرار می‌گیرد: "هنگام تنگ‌دستی در عیش‌کوش و مستی / کاین کیمیای هستی، قارون کند گدا را". عیش و مستی همان کار را می‌کند که کیمیا می‌کند، همان‌طور که کیمیا هر چیز کم‌ارزش را ارزش‌مند می‌کند، بی‌اعتنایی و غیرافزون‌خواهی هم می‌تواند گدا - فرد نیازمند - را تبدیل به قارون - یعنی بی‌نیاز - کند.

چنان‌که می‌بینیم در استعاره هم نوعی طبقه‌بندی صورت می‌گیرد. اما این طبقه‌بندی، ممکن است - دست‌کم به‌ظاهر - بر اساس آن‌چه در طبقه‌بندی‌های متداول علم صورت می‌گیرد، نباشد. کیمیا به‌لحاظ برخورداری از اثر کمال‌بخشی به اشیای کم‌ارزش، در همان مقوله‌ای قرار می‌گیرد که مثلاً "مهرورزی، عشق و عیش و مستی" قرار دارند. آن‌ها هر دو، جوهر شیء را تغییر می‌دهند. کیمیا مس را تبدیل به طلا می‌کند، عشق، هستی را به نعل هستی را دگرگون می‌نماید. اما تفاوتی هم وجود دارد. در اولی، فعل و انفعالات صورت می‌گیرد که چندان ارتباطی به خواست کیمیاگر ندارد، ولی در دومی، نوعی تجربهٔ درونی در کار است که با عمیق‌ترین سطح خواست‌ها و عواطف انسانی، در هم آمیخته می‌شود و در عین حال، به بالاترین سطح شعور و آگاهی می‌رسد. هر دو، جزء زندگی هستند: هم آن‌جا که ما با تجزیه و تحلیل و ترکیب جهان به اصطلاح عینی سروکار داریم، هم آن‌جا که هویت و شخصیت خودمان به‌عنوان محور قرار می‌گیرد. حتی شاید بهتر باشد این دو وجه زندگی را از هم جدا نکنیم و آن‌ها را به‌شکل یک پیوستار نگاه کنیم که در هر حال، از تجربهٔ حسی و حرکتی آغاز می‌شود و به برداشت‌ها و فرمول‌بندی‌ها و در آخر، شکل‌های ادراکی - عاطفی و مقوله‌های انتزاعی می‌رسد. بی‌تردید در آن‌جا هم متوقف می‌شود و فرایندی برعکس آن شکل می‌گیرد، به‌طوری‌که حتی عالی‌ترین سطح انتزاعی نیز ضرورتاً وارد زندگی حسی و حرکتی می‌گردد و بدین‌گونه فرض‌ها و ایده‌ها محک می‌خورند و تفکر خلاق به‌وجود می‌آورند. از اسکار وایلد نقل می‌شود که گفته بود هروقت که نمی‌توانیم آشکارا و مستقیم سخن بگوییم، به مجاز و استعاره روی می‌آوریم. این حرف، شاید در مواردی درست باشد، مخصوصاً مواردی که سخن، رنگ و لعاب کنایه پیدا می‌کند. اما نقش استعاره فراتر از این می‌رود، استعاره، درواقع، نوعی نگرش

به جهان است، نگرشی که در آن تفکر عمدتاً راه و رسم تمثیلی را برمی‌گزیند و تصویری مبتنی بر فرافکنی یا مطابقت ساختاری بین اشیا و پدیده‌ها ارائه می‌دهد. زندگی ما را تنها گزاره‌های به اصطلاح بدون تصویر تشکیل نمی‌دهند، بلکه برداشت‌ها، تأثرات، بازخوردها و هیجان‌های ما نیز جزء زندگی ما هستند و بخش زبانی این جنبه را پردازش استعاره‌ای عهده‌دار می‌شود.

\*\*\*

درین - مایلم به عنوان پیش‌گفتار، نکته‌ای را درباره تالیف، تدوین و ترجمه کتاب‌های علم در حوزه علم شناخت یا شناخت‌پژوهی و کلاً علوم شناختی در جامعه خودمان با - را نندگان عزیز در میان بگذارم. اینک که این علم یا به اعتباری این دسته از علوم در کشور ما ایگاه و جایگاهی به خود اختصاص داده است، وقت آن رسیده است که متناسب با همت، اهمیت و ضرورت آن، برنامه‌ریزی‌های لازم برای انجام تحقیقات نظری و عملی در بسیاری از زمینه‌های شناختی و از آن جمله جنبه‌های کاربردشناختی زبان، به عمل آید و سمپوزیومی آموزشی، پژوهشی و کاربردی‌های عملی در این باره، مشخص شود. احتمالاً نخستین گام در این حرکت، بهره‌گیری از آثار علمی نظرورزان و پژوهش‌گران در جوامع مختلف است. علم و دانش با سکون و رکود و «تک‌اندیشی» میانه‌ای ندارد. از روزگاران قدیم مایلم گفتمانی و گفت‌وگویی (دیالوژیک) تفکر علمی به گونه‌ای بوده است که اقوام را با هم با هر زمینه و سابقه تاریخی، جغرافیایی و سیاسی، از اندوخته‌ها و یافته‌های یکدیگر سود جستند و در این راستا یکی از راه‌های متداول این اثرپذیری و اثرگذاری، اعزام به مسافرت‌ها، دادوستدها و جهان‌گردی‌ها، ترجمه آثار مهم و مفید بوده است. من قبلاً در سرمقاله مجله بازتاب دانش، نشریه‌ای درباره شناخت، مغز و رفتار (۱۳۹۲)، شماره ۳۰-۲۹، صص ۳-۶، درباره نقش و اهمیت ترجمه سخن گفته‌ام و تکرار آن در این جا شاید ضرورتی نداشته باشد. اما درباره ترجمه و اهمیت انتقال درست، دقیق و قابل درک

اطلاعات (در قالب تعاریف، مفاهیم، فرایندها و سازوکارها) هر چه سخن گفته شود، کم است. ترجمه، فرایندی سنجیده، پیچیده و چندلایه‌ای در سطح عالی شناختی است که ذهنی پرورده و زبانی پُرمایه می‌طلبد. در جریان ترجمه، نه تنها معانی و مفاهیم، بلکه «فضای ذهنی» نویسنده باید از یک گستره زبانی به یک گستره زبانی دیگر انتقال داده شود. آنچه در این نقل و انتقال، نقش اساسی را بازی می‌کند، ایجاد تناظر در ازنمایی‌های ذهنی است. بنابراین، برای ایجاد آن تناظرها یا مطابقت‌های ذهنی، مترجم باید بیش از همه و پیش از همه، خود را با آن فضای ذهنی آشنا سازد. به این معنا ترجمه نوعی برگردانی نیست، بلکه بازایی و بازآفرینی است و سهم مترجم، در مواردی، هر راز با هم نویسنده است. ما امروزه، در علم شناخت به عنوان یک علم میان‌رشته‌ای و استعاره به عنوان ابزار و سازوکار بسیار قوی در تفکر و زبان، نیازمند ترجمه‌های دقیق و درک آن، تحلیلات برخاسته از ایده‌های بارآور هستیم.



در تدوین کتاب حاضر، با مراجعه به بسیاری از منابع دست اول و آثار ره‌گشای صاحب‌نظران، سعی شده جنبه‌های مختلف استعاره، چه از جهت نظری و مدل‌سازی و چه از حیث پژوهشی و روش‌شناسی، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند. همان‌گونه که انتظار می‌رود اکثر منابع در این باره، به زبان خارجی رده‌انتهای اقامان‌بندی مطالب، سمت‌گیری‌ها و نتیجه‌گیری‌ها بر عهده نگارنده بوده است و مواردی نیز دیدگاه انتقادی نسبت به مبانی برخی از نظریه‌ری‌ها و اسلوب‌کار، باز شده است. علاوه بر آن، با الهام گرفتن از بزرگان شعر و ادب این سرزمین و نیز با استفاده از ظرفیت بالای زبان فارسی در ارایه شواهد مناسب و روشن‌گر، کوشیده‌ام راه پرداختن به موضوع «ساده‌نمای ظاهر فریب» استعاره که در واقع، پیچیده و چندجنبه‌ای و بحثی گریزپا و چهارچوب‌ناپذیر به نظر می‌رسد، تا حدی هموار شود.

نمونه‌ای از این نوع فعالیت‌ها را قبلاً در کتاب استعاره و شناخت ارایه داده‌ام. از آن جمله تجزیه و تحلیل شعر سعدی درباره اهمیت زبان (زبان در دهان ای خردمند

چیست،...) را باید نام ببرم که برای نخستین بار با رویکرد رمزگردانی دوگانه (گزاره‌ای و تصویری) بررسی شده و در آن باره، مدلی ارایه شده است. هم‌چنین، با توجه به قدرت گشتارزایی استعاره، سعی کرده‌ام ویژگی‌های بدیع و نوآورانه شعر دوران‌ساز فردوسی (توانا بود هر که دانا بود،...) را با وضوح هرچه بیش‌تر، در این کتاب (استعاره و شناخت) به نمایش بگذارم.

اما ایده‌هایی که در کتاب حاضر رنگ و بوی «بومی» دارند و به عنوان طرح‌های مقدماتی باید از آن‌ها یاد کرد، یکی تحقیق مقدماتی و آزمایشی است که در ارتباط با نقش مفاهر طبیعت در شکل‌گیری استعاره، صورت گرفته و در فصل ۵، توضیح داده شده است و خرد می‌تواند سرآغازی برای مطالعات پیش‌رفته باشد؛ و دیگری تکیه بر تفاوت‌های ساختاری و کارکردی استعاره در شعر با استعاره‌های روزمره است که در فصل ۶ به آن پرداخته شده است. برای نشان دادن این تفاوت‌ها از نمونه‌های گویای شعر فارسی، استفاده شده است.

در پایان کتاب، فهرستی از منابع کتاب‌شناسی آمده است. تقریباً همه مقاله‌ها و بسیاری از کتاب‌ها به‌طور مستقیم مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اما در مواردی صرفاً مشخصات برخی از کتاب‌ها به‌عنوان اطلاعات کتاب‌شناسی ذکر شده است تا خواننده علاقه‌مند بتواند در صورت نیاز، به منبع دست‌یابی نماید.

در انتقال مطالب علمی، گاه ناگزیر از وضع معادل‌ها بهره‌مندی هستیم. اگرچه سعی من اغلب بر آن بوده است که از اصطلاحات موجود استفاده کنم. اما در مواردی به واژه‌هایی فنی برمی‌خوریم که در جامعه علمی ما تازگی دارند و باید معادل برابر آن‌ها وضع یا انتخاب شود تا در ذهن خواننده نوعی تناظر معنایی ایجاد کند. شکی نیست که این نوع معادل‌ها به تدریج راه خود را در ذهن باز می‌کنند. گاهی نیز اصلاً مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند.